

سبک ازدواج



هزار توی ازدواج با تصمیمات اشتباه پیچیده می شود

همسو باشیم، نه فقط همسر

- نگین خلیج سرشکی

سرعت بالای دنیای دیجیتال روی زندگی کاربران بی‌شماری تأثیر گذاشته است. آنها می خواهند هر کاری را با سرعت جلو ببرند و سرعاً نتیجه مطلوب را مشاهده کنند. باعث تأسف است انتظار توهمی آنها بدتر نتیجه را به تنهایی می کشاند. هر کاری زمان مخصوص خود را نیاز دارد، به ویژه تصمیم‌گیری درباره مراحل

ازدواج ترسناک نیست ولی...

ازدواج ترسناک نیست، اما با تصمیمات اشتباه می‌تواند ترسناک شود. ازدواج پیچیده نیست، اما به خاطر عدم شناخت کافی می‌تواند یک هم‌راز تو تبدیل شود. طبیعی است که شما هرگز نمی‌توانید یک نفر را به طور کامل بشناسید. چون تا نسبت به ابعاد شخصیتی خود آگاهی نداشته باشید هرگز نخواهید توانست طرف مقابل خود را تحلیل کنید و برای ازدواج باید به تمامی شخصیت خود و به نیمی از شخص مقابل اشراف پیدا کرده باشید. ازدواج عجیب و غریب نیست، اما باید روحیه ماجراجو و کنجکاوی داشته باشید تا بتوانید ابتدا جهان درون خود و سپس خیلی از ویژگی‌های طرف مقابل را کشف کنید. اینکه فقط او را دوست داشته باشید، کافی نیست. اگر فقط به این دلیل زندگی مشترک را آغاز کردید، باید بگوییم که وارد ترسناک‌ترین، پیچیده‌ترین و عجیب‌ترین مرحله زندگی خود شده‌اید.

عشق در امتداد شناخت

علاقة داشتن خیلی زیباست، اما کافی نیست. علاقه‌ای که از سر آگاهی نباشد فقط یک توهم است و توهم هم روزی به پایان می‌رسد، همچون خواب. یک روز از خواب بیدار می‌شوید و می‌بینید با تصمیم اشتباه و عجولانه خود دو زندگی را هدر داده‌اید. عشق در امتداد شناخت قرار دارد و شناخت موجب آگاهی می‌شود و قطعاً این آگاهی باید از خود ما شروع شود. زندگی مشترک یعنی ترکیب دو دنیای متفاوت و رسیدن به مرزی مشترک که به آن تفاهم گفته می‌شود؛ تفاهم به معنی شباهت‌های فراوان نیست بلکه تفاهم یعنی فهم تفاوت‌ها و این یعنی شناخت و آگاهی. اصلاً از شناخت برداشت افراطی نداشته باشیم. ما هرگز نمی‌توانیم یک نفر را به طور

کامل بشناسیم، اما می‌توانیم آگاه باشیم و تفاوت‌های خود و او را درک کنیم و این یعنی شناخت واقعی که آهسته‌آهسته حاصل می‌شود. البته از این غافل نشویم که تا نسبت به خود آگاهی نداشته باشیم هرگز نسبت به دیگری هم آگاه نخواهیم بود.

ازدواج، داستان فانتزی نیست

انسانی که نتواند با خود روبه‌رو شود و خود را کشف کند، چگونه می‌تواند ادا کند که شریک زندگی خود را می‌شناسد. انسانی که خود را دوست نداشته باشد چگونه می‌تواند به کسی که او را «عشق» می‌نامد، عشق بورزد. انسانی که یاد نگرفته است تکیه‌گاہ خود باشد و در هیچ شرایطی خود را تنها نگذارد به طور قطع کنار دیگری هم نخواهد ماند. ازدواج فقط مرحله‌ای برای تکامل است؛ ازدواج هرگز به معنی خوشبختی کامل نیست. دختران و پسران با چنین فانتزی‌هایی اشتباه است. چرا یک پسر باید خود را برتر از شریک زندگی خود بداند یا دختری خود را کمتر از همسرش بداند و خوشبختی را در دست‌های کسی غیر از خود ببیند؟

خوشبختی هر کسی تنها در دست‌های خود او است. وقتی یک‌انسان به معنای واقعی خوشبختی در کنار خود رسیده باشد می‌تواند مژه آن را به دیگری هم بچساند. زمانی که تلاش برای خوشبختی یک همقدمی دو نفره باشد آن وقت زندگی مشترک به بستری مناسب برای ریشه دواندن و ثمر بخشیدن تبدیل می‌شود. هیچ چیز پیچیده‌ای در ابتدای امر وجود ندارد بلکه خود ما مسیر را

پیچیده می‌کنیم. مسیر تفاهم یک جاده مستقیم است، اما ما با کج فهمی آن را به هزار تویی‌با هزاران کوجه و خیابان فرعی و بن بست تبدیل می‌کنیم. همه چیز ساده است. فقط نباید انتظارات بیهوده داشته باشیم. نباید از دیگری بخواهیم که ما را درک کند بدون اینکه خودمان قدمی برای درک کردن برداشته باشیم. هر دوی ما می‌خواهیم درک مشترک قرار نگیریم و رشد کردن آسان نیست. نباید خودمان را همیشه به حق بدانیم و دیگری را مقصر. در این دنیا هیچ تعریف دقیقی از اشتباه و غلط وجود ندارد. فقط کافی است انسان باشیم و تفاوت‌ها را درک کنیم.

از همسری به همسویی برسیم

زندگی مشترک و به تفاهم رسیدن اصلا به معنای شبیه بودن به یکدیگر نیست، بلکه موفق‌ترین زوج‌ها آنهایی هستند که از تفاوت‌های هم به نقطه‌های مشترک رسیده و از یکدیگر چیزهای مختلفی یاد گرفته‌اند. رشد کردن هم به همین معناست. هدف از زندگی مشترک فقط ادامه دادن نسل نیست؛ نسلی که بدون رشد کردن می‌خواهد پیدا کرده است فقط یک زن بی‌فرهنگ خواهد بود. اولین مفهوم زیبای زندگی مشترک را هم می‌توان در معنای همسر پیدا کرد. همسر فقط به معنای هم‌بالینی نیست. همسر یعنی کسی که فکر درون سر او با خود درون سر من همسو است. ما هر دو فکر می‌کنیم و با هم به همسویی می‌رسیم. اگر فکر درون سر دیگری را نتوانید بفهمید، هرگز نمی‌توانید با او همسر باشید. این همسری و همسویی یعنی رسیدن به زمینی مشترک که می‌تواند زمینی برای بناکردن خانه عشق مان باشد. چه زیبا می‌شود وقتی دو مسیر متفاوت با یکدیگر به نقطه‌ای عطف می‌رسند و همسو می‌شوند. آن‌وقت

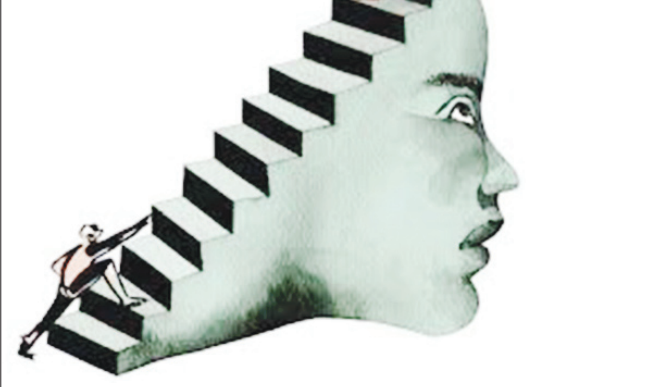
سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۸۴۷۱

درد

زندگی مشترک و به تفاهم رسیدن اصلاً به معنای شبیه بودن به یکدیگر نیست، بلکه موفق‌ترین زوج‌ها آنهايي هستند که از تفاوت‌های هم به نقطه‌ای مشترک رسیده و از یکدیگر چیزهای مختلفی یاد گرفته‌اند. رشد کردن هم به همین معناست. هدف از زندگی مشترک فقط ادامه دادن نسل نیست؛ نسلی که بدون رشد کردن گسترش پیدا کرده است فقط یک زن بی‌فرهنگ خواهد بود. اولین مفهوم زیبای زندگی مشترک را هم می‌توان در معنای همسر پیدا کرد. همسر فقط به معنای هم‌بالینی نیست. همسر یعنی کسی که فکر درون سر او با فکر درون سر من همسو است. ما هر دو فکر می‌کنیم و با هم به همسویی می‌رسیم

سبک نگرش



آدم حسود زندگی خود و دیگران را به مغاطره می اندازد

داشته‌هایت را ببین و چشم طمع را کور کن!

بازجه‌های عالم خاکی را موجب می‌شوند. اسباب بازی و لپو و پوچی دنیا و فتنه‌های این عروس هزار داماد و مقایسه این آلات لپو و لمب با دیگران فسادهای گوناگون رفتاری مثل حسادت ورزیدن‌های مکرر را فراهم می‌سازد. امروزه آسان نیست دل کندن و بریدن از عشوه‌گری‌ها و دل‌فریبی‌های پر زرق و برق دنیا مگر به مجاهده و مراقبه و شناخت. این روزها بسیار باید مراقب باشیم تا در دام حسادت، شقاوت و فلاکت نیفتیم و خسر فی الدنيا والاخره نشویم.

آفات زندگی‌های مدرن و صنعتی روز به روز بیشتر می‌شود و برای رهایی از این آفات و تجملات روزمره باید نسبت به دفع آفات اساسی تجهیز شد. قوی‌ترین و مؤثرترین وسیله دفع آفات خلفی، طهارت جسم و جان و جنگ زدن به قبرآن و عمل به دستورات رهایی بخش و نورانی آن است. چنانچه افراد بلوغ اجتماعی خویش را ببیند و به باغ اجتماعی دست بیاورد، هیچ گاه وارد وادی سست و بی‌بنیان حسادت، طمع و زیاده‌خواهی نمی‌شوند. خداوند در کلام‌الله مجید خطاب به اینان می‌فرماید: «همانا سست‌ترین خانه‌ها و پناهگاه‌ها، خانه و لانه عنکبوتیان است.»

حسادت به دنبال خود ضلالت و شقاوت و سقوط از مرحله خلیفه الهی و دخول به مرحله جنود الشیطان است که همراه دارد. قرآن در جای جای خود اشاره به با گذاردن در بیراهه و کج رفتاری و خارج شدن انسان از صراط و مسیر

نورانیت به سمت و سوی پریشان حالی و ندامت دارد. «چیستیم؟» و «چیستیم؟» اگر برای بشر همه روزه مطرح شد، قطعاً او نیز به ردایل اخلاقی روی نمی‌آورد، بلکه با سرعت نور به نعمت‌ها و برکات و هدایای الهی و همچنین اسباب و وسایل زندگی که پروردگار متعال به آنان ارزانی داشته، بسنده کرده و قناعت پیشه می‌کنند، همانا به آرامش واقعی دست یافته و راه برون رفت و تکامل را خواهد یافت و به سر منزل مقصود که همان هدف متعالی اولیا و انبیا الهی است، خواهد رسید. بهترین و نیکوترین موهبت و نعمت، سلامت نفس و قناعت جان از آفات و معاصی زبان و جسم و کالبد خاکی است.

افرادیکه مطامع و منافع خود را صرفاً ملک قرار می‌دهند و توان خود مدیریتی و خود مراقبتی ندارند و از اعتماد به نفس یابینی برخوردارند، جز حسادت، بخل، طمع و شکایت‌های دستورات پیشوایان و بزرگان و اساتید علوم تربیتی و اخلاقی، تماماً بسر پریز از زراندوزی، ترک حسد و مال‌اندوزی و چشم به ثروت و تجملات دنیایی است. در فرازی از کلام‌الله مجید می‌خوانیم: «لما الحیوه الدنیا لعب و لهو.» لهو و لعب، تماماً بازدارندگی از

سستن و قوانینی که در خانواده چه به صورت مطلوب پرورش کودکان و شکل‌گیری شخصیت آنان دارد. یک جامعه ایده‌آل برای اینکه بتواند شخصیت خود را که شامل فرهنگ، تمدن و سنت است حفظ کند، تنها نهادی که می‌تواند به آن کمک کند، خانواده است. چون از طریق خانواده است که فرهنگ و تمدن به صورت سینه به سینه به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. خانواده از موضوعات مهمی است که اسلام از خلقت حضرت آدم تا به حال به آن پرداخته است. به همین خاطر خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:
زن و مرد در مقام بندگی خدا یکسان هستند و هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد، به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، و مردان مطیع و خاضع و زنان مطیع و خاضع و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان صابر و شکبیا و زنان صابر و شکبیا، و مردان فروتن از درون قلب و زنان فروتن از درون قلب، و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده، و مردان روزدهار و زنان روزهدار، و مردان حافظ شهوات و زنان حافظ شهوات و مردان بسیار یادکننده خدا و زنان بسیار یاد کننده خدا، خداوند برای همه آنان

آمزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است.

افرادیکه مطامع و منافع خود را صرفاً ملاک قرار می‌دهند و توان خود مد یریتی و خود مراقبتی ندارند و از اعتماد به نفس یابینی برخوردارند، جز حسادت، بخل، طمع و کوله‌بینی، چاره‌ای ندارند. حسود اول به خود آسیب می‌زند، چراکه آرامش و آسایش روحی و روانی خود را سلب می‌کند. رو یکرد حسادت ورزی یک منشأ دارد و آن راضی نبودن و عدم رضایت به داشته‌ها، توانمندی‌ها و استعدادهای خود فرد است

^[1] حسود اول به خود آسیب می‌زند، چراکه آرامش و آسایش روحی و روانی خود را سلب می‌کند

^[2] حسود اول به خود آسیب می‌زند، چراکه آرامش و آسایش روحی و روانی خود را سلب می‌کند